

**The model of ethical governance from the perspective
of Islam in Ayatollah Khamenei's thought**

Received: 2022/10/11

Accepted: 2022/12/07

Saeed Kahya^{*}

Alireza Naeij^{**}

Alireza Mazaher^{***}

(211-237)

Governance and regulation of policies, policies, administration of government and relations between statesmen and people based on the principles of religious ethics requires a model to use all government and public structures and can create challenges and different institutions in creating the institutionalization of moral work in society. . The new Islamic civilization and reaching people to worship and be close to God. The topic of the research is "What is the model of ethical governance from the perspective of the Supreme Leader?". The present research was carried out with the descriptive-analytical method and library reference and resulted in a conceptual model. The model of ethical governance in Ayatollah Khamenei's thought is a solid process, under the guardianship of God and based on customary ethics, virtue-oriented and monotheistic, which is in a set of laws and structures to monitor and exercise power over the activities of governmental (government) and non-governmental institutions. (popular and social) and resolving conflicts between them to achieve values and prevent the society from oppression and corruption and unscientific and unjust actions exist in various political, economic, social and cultural types. The manner and behavior of rulers, models and systems and mechanisms, institutions and structures are the three main pillars of ethical governance, which can be done in a customary manner with the aim of peace and public harmony, in a virtue-oriented manner with the aim of helping God, or in a monotheistic manner with the aim of to be The goal of achieving God's love, satisfaction and meeting should be arranged and implemented.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Governance, ethics, ethical governance, model of governance.

*. PhD student of public policy, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran (corresponding author), saeed.kahya@gmail.com.

** . PhD in International Relations, Faculty of Economics and Political Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, alireza128@gmail.com.

***. PhD student of political thought, Faculty of Islamic Studies and Political Sciences, Imam Sadiq University (AS), Tehran, Iran, a.mazaheri@isu.ac.ir.



الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌ه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

سعید کحیا^{*}، علیرضا نائیج^{**}، علیرضا مظاهری^{***}

(۲۳۷-۲۱۱)

چکیده

حکمرانی اخلاقی و تنظیم خطمشی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اداره حکومت و روابط بین دولتمردان و مردم بر اساس اخلاقیات دینی نیازمند الگویی است تا از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی استفاده شده و توان مهار چالش‌ها و تعامل نهادهای مختلف را در راستای نهادینه‌کردن مکارم اخلاقی در جامعه، ایجاد تمدن نوین اسلامی و رسیدن انسان‌ها به عبودیت و قرب خداوند داشته باشد. مسئله پژوهش عبارت است از «الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری چیست؟». تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و استناد کتابخانه‌ای انجام شده و به الگوی مفهومی منتج شده است. الگوی حکمرانی اخلاقی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌ه فرآیندی مستحکم، تحت ولایت ولی خدا و مبتنی بر اخلاق عرفی، فضیلت‌محور و توحیدی است که در آن مجموعه‌ای از قوانین و ساختارها برای نظارت و اعمال قدرت بر فعالیت‌های نهادهای حکومتی (دولت) و غیرحکومتی (مردمی و اجتماعی) و رفع تنازعات بین آن‌ها برای دستیابی به ارزش‌ها و بازداشتن جامعه از ظلم و فساد و اعمال غیرعالمانه و غیرعادلانه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند. روش و منش حکمرانان، الگوها و نظامات و سازوکارها، نهادها و ساختارها سه رکن اصلی حکمرانی اخلاقی است که می‌تواند به صورت عرفی با هدف صلح و پسند عمومی، به صورت فضیلت‌محور با هدف به کمال رساندن ایمان به خدا، و یا به صورت توحیدی با هدف دستیابی به محبت، رضا و لقای الهی تنظیم و اجرا شود.

واژگان کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌ه، حکمرانی، اخلاق، حکمرانی اخلاقی، الگوی حکمرانی.

*. دانشجوی دکتری سیاست‌گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، saeed.kahya@gmail.com.

** . دانش‌آموخته دکتری روابط بین‌الملل، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

alireza128@gmail.com.

***. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران،

ایران، a.mazaheri@isu.ac.ir.

۱. مقدمه

با تغییر دولت‌ها، شکل‌گیری نهادهای متعدد مردمی و افزایش فعالیت سیاسی اجتماعی مردم در جامعه، نیاز به ایجاد الگوی مدیریت و سیاست‌گذاری جدید با محوریت اخلاق است تا از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی استفاده شده و توان مهار چالش‌ها و تعامل نهادهای مختلف را داشته باشد (فردریگسون و چری، ۲۰۱۵). آنچه که جامعه جهانی را به سمت حکمرانی اخلاقی سوق می‌دهد، شناخت الگوها و مکاتب اخلاقی و اجرایی کردن آن‌هاست تا بر طبق آن، تصمیم‌گیری مدیران و سازمان‌ها، عملکرد نهادهای مردمی و غیرمردمی و همچنین نظامات و الگوهای به‌کاررفته در حکمرانی، اخلاقی شوند (دباغ و جاسبی، ۱۳۸۵: ۳۵).

در دین مبین اسلام، ابعاد مختلف زندگی انسان مطرح شده و راهکار عملیاتی برای مسائل اجتماعی و سیاسی ارائه شده است لکن نبود یک مدل حکمرانی با مبنای اخلاقی صحیح و برآمده از دین، پیامدهای ناگواری داشته و می‌تواند سلايق و علايق شخصی را جایگزین ملاک‌های دینی قرار دهد و فرآیند تصمیم‌گیری و اجرا را از عقلانیت و اخلاق جدا کند. این مبانی پس از استخراج از متون اصیل دینی یعنی قرآن و سنت و تفسیر آن توسط فقیه عادل و عالم به زمان، بایستی منقح شده و به‌صورت نظام‌نامه‌ای، وظیفه‌هریک از ارکان حکمرانی را مشخص سازد.

هدف اصلی پیامبر اسلام، اخلاقی کردن جامعه است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (بحارالانوار، ۱۳۶۸، ج ۱۶: ۲۱۰) تأثیر اخلاق بر حکمرانی انکارناپذیر است و برای اعمال حاکمیت و قدرت، مدیریت منابع و فرآیندهای حاکم بر آن ضروری است؛ از این‌رو دولت‌ها همواره در تلاش هستند تا خط‌مشی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، اداره حکومت و روابط بین دولتمردان و مردم بر اساس اخلاقیات دینی تنظیم شود. بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله به‌عنوان ولی جامعه که مبتنی بر قرآن و سنت است، مرجع مناسبی برای استخراج الگوی صحیح حکمرانی اخلاقی است.

این مقاله به دنبال آن است تا با نگاهی نو به حکمرانی اخلاقی و اخلاقی کردن فرآیند اعمال قدرت، زمینه تشکیل دولت اسلامی به‌عنوان گام سوم انقلاب اسلامی را فراهم آورده

تا با حرکت به سمت ایجاد جامعه اسلامی و تمدن نوین اسلامی، مقدمات ظهور حضرت بقیه الله الاعظم علیه السلام و تشکیل دولت طیبه و کریمه مهدوی فراهم شود (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)؛ هرچند تمامی این‌ها مقدمه‌ای برای به عبودیت رسیدن انسان‌ها «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶) و دستیابی به اتم کمالات انسانی جهت کسب رضایت و لقای پروردگار هستند: «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ» (مائده: ۱۱۹؛ توبه: ۱۰۰).

درواقع مشکل اصلی، نبود الگویی برای حکمرانی با محوریت اخلاق در سطح دولت و سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی است که ما را به سوال اصلی تحقیق یعنی چیستی الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر مقام معظم رهبری می‌رساند. چراکه مردم بر کیش و دین حکمرانان خود زندگی می‌کنند و تا زمانی که مدل حکمرانی اخلاقی در کارگزاران و مدیران تبیین و اجرا نگردد، تحقق آن در بین مردم انتظار سختی است. بهترین منبع برای استخراج این الگو، ولی فقیه جامعه اسلامی است که واقف بر مبانی، اصول و اهداف انقلاب می‌باشد و می‌تواند راهبردها و روش‌های پیشبرد حکمرانی بر مبنای دین و اخلاق را مدل‌سازی کند.

پژوهش حاضر کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی و استناد کتابخانه‌ای انجام شده است. این تحقیق بر آن است تا با استفاده از بیانات آیت الله خامنه‌ای علیه السلام، به تبیین حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام بپردازد و پاسخی برای سؤال اصلی چیستی الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت الله خامنه‌ای علیه السلام و سؤالات فرعی در باب مبانی، اصول و ارکان، اهداف و غایات، ابعاد، راهبردها و کاربردها و شاخص حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت الله خامنه‌ای علیه السلام می‌باشد.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تا کنون انجام شده‌اند، یا درصدد اثبات ضرورت اخلاقی بودن حکمرانی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی بوده و یا اهمیت بالای اخلاق کارگزاران در کارآمد بودن حکمرانی را بیان کرده‌اند. مقاله «ابعاد حکمرانی اخلاقی در فحوای عهدنامه امیر علیه السلام» به صورت توصیفی-تحلیلی به چیستی ابعاد، اصول و الزامات حکمرانی اخلاقی در فحوای

عهدنامه امام علی علیه السلام پرداخته و عهدنامه امیرالمؤمنین علیه السلام را یکی از مهم‌ترین مستندات اسلامی جهت استخراج اصول حکمرانی اخلاقی و اخلاق حکمرانی دانسته است.

تحقیق دیگر «تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی علیه السلام» است که به طریق بنیادی و با تلفیق روش اجتهادی و هرمنوتیک در پی پاسخ به سوال از چیستی مؤلفه‌ها و ابعاد حکمرانی جامع در اندیشه حکومتی امیرالمؤمنین علیه السلام است. این تحقیق مشخصه‌های حکمرانی متعالی هم در ساختار حکومت و دولت و هم در حوزه مبانی نظری و معرفت‌شناختی به مطالعه پرداخته است.

پژوهش «ارائه الگوی حکمرانی خدامدار» به روش توصیفی-تحلیلی نشان می‌دهد الگوی حکمرانی خدامدار برخلاف حکومت‌های رایج زمان، که هدف آن‌ها قدرت و ریاست و کسب امتیازات مادی است و به معنویات مردم هیچ توجهی ندارند، می‌تواند عملکرد سازمان‌های ایرانی را بهبود بخشد و جامعه را در مسیری رهنمون سازد که کمال نهایی و سعادت حقیقی یا همان قرب الی الله به دست آید.

در اثر «رابطه سعادت با حکمرانی مطلوب» به نوع رابطه بین سعادت و نظریه حکمرانی مطلوب پرداخته شده است. در مقاله «کارکردهای عدالت در حکمرانی اخلاقی از منظر اندیشه سیاسی اسلام» چستی نقش و کارکرد عدالت در حکمرانی اخلاقی بیان شده است.

مقاله «حکمرانی اخلاقی بر اساس نوع‌شناسی طبقه نظامیان از دیدگاه نهج البلاغه» در پاسخ به سوال از چیستی ماهیت حکمرانی اخلاقی متناسب با طبقه نظامیان از منظر نهج البلاغه انجام شده است. در تحقیق «حکمرانی اخلاقی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه» به بحث از ارزش‌های اخلاقی حکمرانی در بخش عمومی از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته‌اند و معتقدند کارگزاران خدمات عمومی در صورت تربیت صحیح از بُعد اخلاقی می‌توانند سعادت یک تمدن را تضمین کنند.

پژوهشی با عنوان «الگوی حکمرانی توحیدی با رویکرد نظریه داده‌بنیاد» معتقد است نتیجه الگوی حکمرانی توحیدی با مؤلفه‌هایی نظیر حق‌گرایی، قانون‌گرایی، تقوا و... رضای الهی و سعادت دنیوی و اخروی همسو است.

بر اساس آنچه مطرح شد نوآوری مقاله حاضر از سه حیث قابل بررسی است: اولاً اینکه تا کنون پژوهشی در باب حکمرانی اخلاقی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای و برآمده از بیانات ایشان انجام نشده است؛ ثانیاً تحقیقات پیشین هیچ‌کدام به تفصیل به بنیادها، ابعاد، راهبردها و راهکارهای حکمرانی اخلاقی نپرداخته‌اند؛ ثالثاً پژوهش حاضر، از مباحث اصلی، مورد مناقشه و نیاز فعلی جامعه است و می‌تواند تحولی در نوع نگاه مسئولان و تصمیم‌گیران به دولت‌سازی و جامعه‌سازی اسلامی ایجاد کند.

۳. چارچوب مفهومی

چارچوب مفهومی الگویی نظری است که بنیان پژوهش بر آن استوار است و به صورت منطقی، تعریف متغیرهای موجود در پژوهش و روابط بین آن‌ها را به تصویر می‌کشد. در واقع چارچوب مفهومی، ابزاری تحلیلی است که به فهم و یادسپاری مفاهیم و درک ارتباط بین اجزای مختلف تحقیق کمک می‌کند. در ذیل به بررسی مفاهیم «الگو»، «حکمرانی» و «اخلاق» و مراد از هرکدام در این پژوهش پرداخته می‌شود.

۳-۱. مفهوم الگو

واژه الگو در لغت به معنای «مدل، نمونه، سرمشق و اسوه» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۲۱) و «نمونه و طرح» است. (معین، ۱۳۷۵: ۱۸۸) این واژه در قرآن با لفظ «اسوه» به معنای «نمونه» آمده است. در علوم اجتماعی منظور از الگوها، شیوه‌هایی از زندگی ناشی از فرهنگ است که اعمال افراد به طور ناخودآگاه با این الگوها تطابق می‌یابد. روش الگویی، روشی مبتنی بر ارائه نمونه‌های عینی و عملی است تا افراد به هنگام عمل، از آن‌ها الگوبرداری کرده و با تقلید از شیوه‌های موجود، عمل نمایند. (قائمی مقدم، ۱۳۸۹: ۲۶)

برخی محققین در تعریف الگو بیان داشته‌اند: «منظور از الگو، نمونه عینی و مشهود یک اندیشه و عمل در جنبه‌های گوناگون است که دیگران برای رسیدن به کمال، از آن پیروی می‌کنند. ناگفته نماند واژه‌های امام، اسوه، قدوه، هادی، دلیل، حجت، مدل، نمونه، مثال و سرمشق که در متون اسلامی یا رشته تعلیم و تربیت و روان‌شناسی به کار می‌روند، تقریباً به معنای الگو، شبیه‌اند.» (مهدی زاده، ۱۳۸۵: ۱۶) بنابراین الگو در این تحقیق، یک شیوه،

مدل و روش مبتنی بر نمونه‌های عینی و عملی است که حکمرانان، کارگزاران و کنشگرهای سیاسی-اجتماعی می‌توانند اعمال و رفتارهای خود را منطبق با آن تنظیم کنند.^۱

۳-۲. مفهوم حکمرانی

حکمرانی از ریشه «ح کم» است که به معنای «منع و رد» با هدف اصلاح بوده (راغب اصفهانی، ۱۴۲۵ق: ۲۴۸) و به حکمت برمی‌گردد و مرجع آن، عدل و علم و حلم است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳: ۶۶). اصل معنای «ح کم» یعنی «منع کردن مردم از ظلم و بازداشتن آن‌ها از انجام اعمال غیرعالمانه و غیرعادلانه». واژه حکمرانی از دو بخش «حکم» به معنای فرمان، قاعده، مقررات، نظام، تنظیم، قانون و «راندن» به معنای اجرا، اعمال قدرت، پیش‌بردن، راهبری، اداره، هدایت و امثال آن تشکیل شده است.

حکمرانی، الگویی نوین است که با ناکارآمدی سیستم دولت‌محور در کشورهای توسعه‌یافته، مطرح شد و به سمت استفاده از سازوکارها، فرآیندها و ساختارها و نهادهای رسمی و مردمی رفت. فرهنگ لغت آکسفورد از حکمرانی به مجموعه منظمی از قوانین و مقررات و روش حکمرانی، اعمال کنترل و قدرت بر فعالیت‌های زیرمجموعه تعبیر می‌کند. حکمرانی در اصطلاح عبارت است از مدیریت مؤثر اقدامات عمومی از طریق ایجاد مجموعه‌ای از قوانین و مقررات که برای پیاده‌سازی ارزش‌های اجتماعی از طرف تک‌تک افراد و گروه‌های اجتماعی است (اسماعیل‌زاده و همتی، ۱۳۹۱: ۱۰۵). در تعریف دیگر حکمرانی به معیارهایی جهت وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل و فصل تعارضات برای دستیابی به مصلحت عمومی دانسته شده است (Mette Kjar، ۲۰۰۴م: ۱-۲) و با شمولیت پاسخگویی و حساب‌پس‌دهی، مشروعیت و شفافیت، نهادهای خارج از حکومت را نیز در بر می‌گیرد.

برخی حکمرانی را «فرآیند قاعده‌گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به‌منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذی‌نفعان در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور» معرفی

کرده‌اند. (وبگاه www.governanceschool.ir)

۱. تعریف مراد نگارنده

بر اساس آنچه مطرح شد حکمرانی را می‌توان بدین صورت بیان نمود: فرآیندی که در آن مجموعه‌ای از قوانین و ساختارها برای نظارت، اداره و اعمال قدرت بر فعالیت‌های نهادهای حکومتی (دولت) و غیرحکومتی (مردمی و اجتماعی) و رفع تنازعات بین آن‌ها برای دستیابی مردم به ارزش‌های عادلانه و بازداشتن جامعه از ظلم و فساد و اعمال غیرعادلانه و غیرعادلانه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند. در این تعریف دو مفهوم «فرآیند» و «نهادهای مردمی» جایگاه ویژه‌ای داشته و آن را از مفاهیم مشابهی چون دولت و حکومت تمییز می‌دهد.

نهادهای مردمی که اصلی‌ترین ممیزه حکمرانی است، جایگاه مردم و گروه‌های مدنی در جامعه را ارتقاء بخشیده و آن‌ها را از وضعیت انفعال به حالت فعال در امر سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت بر فعالیت‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی درمی‌آورد. فرآیند بودن حکمرانی نیز در راستای پویایی امر قانون‌گذاری و روند اجرای امور است و باعث تحقق چرخه سیاست‌گذاری تا لحظه نظارت و بازخوردگیری و کاربست مجدد داده‌های ارزیابی در چرخه بعدی برای بهبود و رفع نواقص چرخه قبل است.

۳-۳. مفهوم اخلاق

واژه «اخلاق» در لغت به معنای «خوی‌ها» (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۵: ۱۵۲۵) و «سرشت و سجیه» است؛ اعم از اینکه سجیه و سرشتی نیکو و پسندیده باشد (فضایل اخلاقی) یا زشت و ناپسند باشد (رذایل اخلاقی) (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹). اخلاق در اسلام به بخشی از آموزه‌های دین گفته می‌شود که از فضایل و رذایل اعمال انسان سخن می‌گوید (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۵: ۱۲۸۵).

مفهوم «اخلاق» در اصطلاح در پنج معنا به کار رفته که شایع‌ترین آن همان کاربرد نخست است: ۱- صفات راسخ نفسانی: غرایز و ملکات و صفات روحی و باطنی که در نفس انسان است و موجب صدور افعالی متناسب با آن‌ها به‌طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند (هدایتی، ۱۳۹۳: ۱)؛ ۲- مطلق صفات نفسانی: هرگونه صفت

نفسانی که موجب پیدایش کارهای خوب یا بد می‌شود؛ چه آن صفت نفسانی به صورت پایدار و راسخ و چه به صورت ناپایدار و غیرراسخ باشد، و چه از روی فکر و اندیشه حاصل شود و یا بدون تفکر و تأمل سرزند؛ ۳- فضایل اخلاقی: صرفاً اخلاق نیک به معنای درست یا خوب همانند مصلحت‌اندیشی، نیک‌خواهی، اطاعت از خدا، عدالت و... در برابر غیراخلاقی است؛ ۴- نهاد اخلاقی زندگی: اخلاق در اینجا وابسته به شخص نیست و ابزاری در دست جامعه (به‌عنوان یک کل) برای راهنمایی و ارشاد گروه‌های کوچک‌تر است؛ ۵- نظام رفتاری حاکم بر افراد: به معنای نظام رفتاری یک گروه خاص مثل مسلمانان یا اخلاق و نظام رفتاری موردقبول مسیحیان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۱۹-۲۳).

اخلاق، روح دین‌داری انسان (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۱۰/۱۷) و به‌مثابه هوای لطیفی هست که می‌تواند با نهادینه‌شدن در درون انسان‌ها، جامعه را به مقامات عالی انسانی برساند (همان، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹ و ۱۳۸۵/۰۱/۰۶) و شامل «اخلاق فردی» چون صبر در برابر مشکلات، شجاعت در برابر پیشامدها، استقامت در راه رسیدن به هدف و شکر نعمت خدا و «اخلاق اجتماعی» نظیر تواضع، ایثار، غبطه، حسد، تکبر، حسن‌ظن، عدالت، ظلم، عفت و سخاوت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۷۶-۷۷).

از نظر علامه طباطبایی، اخلاق یک مفهوم تشکیکی به لحاظ قوت و ضعف است که هدف نهایی آن، فضیلت انسان از نظر عمل و عبودیت محض پروردگار بوده و به سه نوع عرفی، فضیلت‌محور و توحیدی تقسیم می‌شود. محور «اخلاق عرفی» ارزش‌های عمومی با هدف جلب رضایت مردم است. که انسان بایستی نفس خود را اصلاح کرده و ملکات آن را تعدیل کند. «این مقتضای مسلک اول از دو مسلک تهذیب نفس است که قبلاً نام برده بودم و خلاصه این مسلک این است که نفس خود را اصلاح کنیم و ملکات آن را تعدیل نماییم تا صفات خوبی بدست آوریم، صفاتی که مردم و جامعه آن را بستانند... [هدف] در مسلک اول جلب توجه و حمد و ثنای مردم [است]» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۵۶۱-۵۶۳).

آیت‌الله خامنه‌ای رحمته‌الله‌علیه اخلاق عرفی را در حکمرانی امری ضروری دانسته و با عباراتی چون تصحیح اخلاق و رفتار و منش مسئولان (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، رعایت حدود قانونی و عدم تخطی از قانون اساسی (همان، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱)، تعالی مادی (همان،

الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام... - سعید کحیا (۲۳۷-۲۱۱) / ۲۱۹

۱۳۸۲/۰۸/۱۱)، خدمت به مردم و خلق الله (همان، ۱۴۰۲/۰۱/۱۵)، پاسخگویی و رعایت انصاف در قبال مردم (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، تلاش و رعایت حال مردم (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، رعایت بیت‌المال (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)، آباد کردن و مدیریت دنیا و ایجاد دنیای آباد و آزاد (همان، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)، جدی‌تر شدن مدیریت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)، استفاده از ساعات و آنات و امکانات گوناگون (همان، ۱۳۹۱/۰۵/۰۳)، آوردن پای کار همه ابزارها و همه نیروها (همان، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰)، افزایش کارآمدی (همان، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶) و کارایی با علم و عقل و عزم (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱)، ترجیح دادن مصالح عمومی بر مصالح شخصی (همان، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲)، لزوم ترجیح مصلحت امت و کشور بر منافع و هوی‌های شخصی کارگزاران (همان، ۱۳۸۵/۰۸/۰۲) و حل مشکلات مردم (همان، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶) از آن یاد می‌کند.

«اخلاق فضیلت‌محور» مبتنی بر ارزش‌های اخروی، کسب ثواب و نیل به بهشت است و فرد بایستی با تعدیل قوای غضبیه و شهویه، عقل را حاکم بر آن‌ها گردانیده و ملکه عدالت را کسب کند تا به کمال ایمان و سعادت حقیقی برسد. «[هدف] در مسلك دوم سعادت حقیقی و دائمی یعنی به کمال رساندن ایمان به خدا و ایمان به آیات او است، چون خیر آخرت سعادت و کمال واقعی است نه سعادت و کمال در نظر مردم به‌تنهایی، ولی در عین این فرق، هر دو مسلك (یعنی اخلاق عرفی و اخلاق فضیلت‌محور) در این معنا شریک‌اند که هدف نهایی آن‌ها فضیلت انسان از نظر عمل است.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱، ۵۶۱-۵۶۳).

اخلاق فضیلت‌محور در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دامت‌تعالیه به صورت رشد معنوی (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۰۸/۱۱) و فضائل اخلاقی در جامعه (همان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶)، تقویت ایمان در دل و عمل (همان، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹)، تعالی انسان (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، رشد فضائلی چون صبر و احسان در جامعه (همان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶)، صبر و شکور بودن جامعه (همان، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷)، رعایت عدالت فراگیر و دوری از افراط و تفریط (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، به دنبال عدالت اجتماعی بودن (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)، ترجیح رستگاری اخروی بر سود دنیوی (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، ملازمت دائمی «جرئت همراه با ایمان» و «پیشرفت» در نهادهای انقلابی (همان، ۱۳۷۹/۱۰/۱۹)، ایجاد حکومت حق (همان، ۱۳۸۶/۰۲/۲۵)،

مدیریت جهادی (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۲۴)، سرپیچی از اطاعت انداد الله و هوای نفس (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، ظهور با صلابت و قدرت در برابر سلطه طلبان (همان، ۱۳۹۶/۰۵/۱۲) است. محور «اخلاق توحیدی» صرفاً حب، رضا و لقای الهی است و شخص متصف به آن، ذوب در عبودیت خدا بوده و روزبه روز محبتش بیشتر می شود. «و اما مسلک سوم که بیانش گذشت با آن دو مسلک دیگر این فرق را دارد: که غرض از تهذیب اخلاق تنها و تنها رضای خداست نه خود آراییی به منظور جلب نظر و ثنا و بارک الله مردم... در مسلک سوم اعتدال خلقی معنایی دارد.» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱: ۵۶۱-۵۶۳).

آیت الله خامنه ای رحمته الله علیه اخلاق توحیدی را داشتن نیت کسب رضای الهی در هر کاری (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷)، لزوم خشنود کردن خدا با عمل صالح (همان، ۱۳۷۰/۰۹/۲۷)، عبودیت پروردگار عالم (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، توکل و توسل و توجه و تضرع به خدا (همان، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)، تقوای دینی و سیاسی (همان، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)، ذکر الله (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱)، شکر (همان، ۱۳۸۵/۰۳/۲۹)، دعا و تلاوت قرآن با تأمل و تدبیر (همان، ۱۳۸۴/۰۷/۱۷)، یاد خدا برای مسئولین (همان، ۱۳۹۷/۰۱/۲۰)، عذرخواهی از خدا (همان، ۱۴۰۱/۰۱/۲۳)، تقویت رابطه قلبی با خدا (همان، ۱۳۹۲/۰۴/۳۰)، رشد ذکر و شکر و سپاسگزاری از خدا در جامعه (همان، ۱۳۹۰/۰۵/۱۶)، توفیق خواستن از خدای متعال (همان، ۱۳۸۶/۰۶/۰۴)، کار جهادی (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴)، مجاهدت فی سبیل الله (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، تقویت زهد (همان، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴) و روحیه ایمان و عنصر ایثار و فداکاری (همان، ۱۳۸۲/۰۵/۱۵) بیان می کند.

باتوجه به تعاریف موجود می توان اخلاق را به معنای ذیل در نظر گرفت: «اخلاق، صفات و ملکاتی در درون انسان است که منشأ کارها و رفتارهای خوب، بدون فکر و از روی عادت بوده و در دو ساحت فردی و اجتماعی قابل بروز است و به سه نوع عرفی، فضیلت محور و توحیدی تقسیم می شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج: ۱: ۵۶۳-۵۶۱).

جدول ۱: انواع اخلاق از حیث اهداف، ابعاد و پیامدهای فردی و اجتماعی

اخلاق	قوت و ضعف	اهداف	ابعاد	پیامدهای فردی	پیامدهای اجتماعی
عرفی	ضعیف (به لحاظ تشکیکی)	صلح و پسند عمومی	تعدیل قوای نفس	خوش اخلاقی و رفتار خوب	تقویت قانون‌مداری در جامعه، رضایتمندی مردم نسبت به یکدیگر، تعالی مادی و دنیوی
فضیلت‌محور	متوسط (به لحاظ تشکیکی)	به کمال رساندن ایمان به خدا	حاکم گردانیدن عقل بر شهوت و غضب و کسب ملکه عدالت	صبر و شکور بودن، عدم بروز رفتار خشونت‌آمیز، شهوت‌آلود و مکارانه	گسترش عدالت در جامعه، نفی هرگونه زیاده‌خواهی و سلطه، ایجاد حکومت حق
توحیدی	قوی (به لحاظ تشکیکی)	دستیابی به محبت، رضا و لقای الهی	عبودیت، محبت به پروردگار و احراق نفسانی	عمل بر اساس توکل، توسل، زهد، تقوا، ایثار، جهاد و استقامت	ایجاد جامعه محبت‌محور و فراتر از روابط حقوقی و قانونی و نفی هرگونه انتفاع شخصی، حزبی یا جریانی

۴. حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام

حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام هیچ شباهتی به قدرتمندی‌های موجود در دنیا اعم از سلطنت، ریاست جمهوری‌ها، فرماندهی‌ها و رؤسای کودتاگر ندارد (بیانات رهبری، ۱۳۹۰/۱۲/۱۹). حکمرانی بخشی از اسلام بوده (همان، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰) و ولایت در بین مؤمنین، لازمه اساسی تحقق آن بر روی زمین است (همان، ۱۳۷۷/۰۱/۲۷). فعلیت حکمرانی اخلاقی با ولایت و احکام آن همان احکام الله است. شروع حکمرانی اخلاقی از خود افراد است تا انسان با حاکم کردن خدا در دل و جان خود، بتواند همین فضا را در جامعه بسط داده و زندگی اجتماعی مؤمنین را تحت ولایت‌الله قرار دهد (همان، ۱۳۷۸/۰۶/۱۳).

مدلی که اسلام برای حکمرانی اخلاقی ارائه می‌دهد، «امامت و ولایت» است (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰) که به معنای اطاعت در همه امور زندگی (همان، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰)

از خدا یا نایب او است: «ما أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ» (نساء: ۶۴) (همان، ۱۳۹۸/۰۲/۱۸) امامت یعنی حکمرانی فرد یا گروهی بر جامعه و تعیین جهت حرکت آن‌ها در امور دنیوی، معنوی و اخلاقی، و این مختص مسلمانان یا شیعیان نیست. امام جامعه مردم را به امر خدا هدایت کرده و آن‌ها را از خطرهای و لغزشگاه‌ها حفظ می‌کند. انبیای الهی و انسان‌های برگزیده همگی از مصادیق امام هستند. (همان، ۱۳۸۹/۰۹/۰۴) ولایت تضمین‌کننده و تأمین‌کننده همه احکام الهی است (همان، ۱۳۹۹/۰۵/۱۰)

سیاست منبعث از اخلاق و معنویت وسیله کمال و دوری از انحطاط بوده و موفقیت حکمران منوط به رعایت اصول اخلاقی صحیح است (همان، ۱۳۸۸/۰۶/۲۰ و ۱۳۷۲/۰۵/۱۲). حکمران نمی‌تواند نسبت به اخلاق بی‌تفاوت باشد و صرفاً در پی حفظ قدرت برود؛ بلکه باید مردم را از ورطه گمراهی و انحراف حفظ کرده و به سمت اخلاقی کردن جامعه حرکت دهد. (همان، ۱۳۸۱/۱۲/۰۶) لکن از آنجایی که اخلاق یک امر درونی است و با اجبار و زور و دستور به دست نمی‌آید، حکمران بایستی به هدایتگری پرداخته و در نسبت با مردم به صورت زمینه‌سازی و مانع‌زدایی و در نسبت با کارگزاران به صورت الزامی و قانونی رفتار کند (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

آئین حکمرانی اخلاقی از کتاب خدا گرفته می‌شود (همان، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰) و نمونه‌هایی از آن در جدول زیر آمده است. «مردمی بودن» جزو اصول و ارکان، «دینی بودن» و «اعتقادی بودن» جزو مبانی، «اشرافی نبودن»، «مسرف نبودن» و «ظالم نبودن» جزو ابعاد و کاربردهای حکمرانی اخلاقی هستند لکن ممیزه اصلی، «مبانی معنوی و اخلاقی» است. یعنی اگر حکمرانی صرفاً متکی بر مردم - بدون پشتوانه معنوی و اخلاقی - باشد، طاغوتی است (همان، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹).

جدول ۲: نمونه‌هایی از آئین حکمرانی برحسب انواع اخلاق

آئین اخلاق	مردمی بودن	دینی بودن	اعتقادی بودن	اشرافی نبودن	مسرف نبودن	ظالم نبودن
عرفی	در نظر داشتن رضایت مردم	منشأ دینی داشتن رضایت مردم در حکمرانی	باور به رضایت مردم در حکمرانی	ساده‌زیستی به جهت کسب رضایت عمومی مردم	رعایت انصاف به جهت کسب رضایت عمومی مردم	اقامه عدالت به جهت کسب رضایت عمومی مردم

فضیلت و منشأ سعادت بودن حکمرانی عادلانه	سعادت جامعه در گروی حکمرانی منصفانه	فضیلت‌مند بودن حکمرانی بر اساس ساده‌زیستی	باور به رعایت فضیلت در حکمرانی جهت نیل به سعادت	منشأ دینی داشتن رضایت فضائل در حکمرانی جهت نیل به سعادت	فضیلت‌مند بودن رفتار مردمی حکمرانی	فضیلت‌محور
اقامه قسط برای تشکیل جامعه توحیدی	رعایت حدود الهی در حکمرانی	شکل‌گیری حکمرانی بر پایه زهد	اعتقاد به کسب رضای الهی در حکمرانی	عبودیت در تمام شئون حکمرانی	حلول رضایت خدا در اراده مردم	توحیدی

اگر اخلاق توحیدی در جامعه گسترده شود، همه در زیست توحیدی، زندگی خواهند کرد ولی در مقام عمل و متناسب با طبقات اجتماعی، سه لایه از اخلاق و به تبع آن، سه نوع حکمرانی اخلاقی در جامعه قابلیت اجرا دارد: ۱. حکمرانی اخلاقی مبتنی بر اخلاق عرفی که هدف آن، انجام قانون، کسب رضایت مردم و صلح و پسند عمومی است؛ ۲. حکمرانی اخلاقی مبتنی بر اخلاق فضیلت‌محور که هدف آن، کسب ثواب، نیل به بهشت و تشکیل جامعه عادلانه است؛ ۳. حکمرانی اخلاقی مبتنی بر اخلاق توحیدی که هدف آن دستیابی به رضا و لقای الهی است. جدول زیر نمونه‌ای از سه نوع حکمرانی اخلاقی را با لحاظ ابعاد آن نشان می‌دهد (مثال‌های موجود در جدول صرفاً برای تقریب به ذهن است).

جدول ۳: انواع حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام با لحاظ ابعاد حکمرانی

اخلاق ابعاد حکمرانی	اخلاق عرفی	اخلاق فضیلت‌محور	اخلاق توحیدی
روش و منش حکمرانان	رعایت انصاف در قبال کارمندان، تلاش برای بالا بردن ساعت کاری مفید، تکریم ارباب رجوع، وجدان کاری	فرار از ریا و ممانعت از چاپلوسی، خدمت‌رسانی خالصانه و بدون تبلیغات، وفای به وعده‌ها	زهد و ساده‌زیستی و دوری از هرگونه اشرافی‌گری، رعایت تقوای الهی در استفاده از بیت‌المال
الگوها و نظامات و سازوکارها	پرداخت عادلانه، سیستم نظارت بر تخلفات، ترسیم سازوکارهایی برای عادت‌دادن جامعه به نظم	بسط عدالت در جامعه، الگوی غنی کردن فقرا و مساکین توسط خمس و زکات	سازوکار جهاد در دفاع مقدس، الگوی محبت محور یا کمترین نظارت‌ها برای اقامه قسط
نهادهای و ساختارها	سازمان هدفمندی‌یافته‌ها، سازمان بهزیستی کشور، اداره مبارزه با پول‌شویی در بانک‌ها	کمیته امداد امام خمینی، جهاد سازندگی، بنیاد شهید و امور ایثارگران	نهاد ولایت، بسیج مستضعفین

۵. بنیادها، ابعاد، راهبردها و راهکارهای حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام

دین اسلام دارای نظام‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر ارزش‌ها و مبانی دینی است. در ذیل به اجمال به مبانی و معارف کلان و بنیادین حکمرانی اخلاقی به همراه اهداف و اصول آن پرداخته شده و ملاک حکمرانی اخلاقی و راهبردها و معارف کاربردی که در زمینه عمل و پیاده‌سازی حکمرانی اخلاقی مورد نیاز هستند، بیان شده‌اند.

۵-۱. مبانی حکمرانی اخلاقی

مبنا در لغت به معنای محل بنا، بنیاد، شالوده، بنیان و اساس آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ۲۰۱۱۹) و آنچه در اینجا بیان می‌شود، مبانی ذکر شده توسط آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله‌ه است که در پایه‌ریزی حکمرانی اخلاقی بایستی مدنظر قرار بگیرند. «توحید»، «کرامت و آراء انسان»، «مردم»، «عدالت اجتماعی» و «درون‌زایی» اصلی‌ترین مبانی موجود در حکمرانی اخلاقی هستند و تمامی چارچوب‌های حکمرانی، اصول، راهبردها و روش‌های آن مبتنی بر همین مبانی می‌باشند.

۵-۱-۱. توحید

«توحید» مهم‌ترین مبنای حکمرانی اخلاقی و اساس مدیریت کشور و اساس زندگی همه‌جانبه مردم و روش زندگی است (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۰۱). توحید هم به معنای ایجابی یعنی اعتقاد به وجود خدا و اطاعت او و هم به معنای سلبی یعنی سرپیچی از غیر خدا است. انسان هم باید حکمروایی خدا را در زندگی قبول کرده و خدا را در همه آنات عالم، اطاعت کند و هم حکمروایی اندادالله را سرپیچی کند. منظور از اندادالله هرچیزی است که در برابر خدا باشد که یکی از مصادیق آن، قدرت‌های استکباری هستند و نمونه بارز و روشن آن، نفس انسان و هوای اوست که باید سرپیچی شود (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

۵-۱-۲. کرامت و آراء انسان

مبنای مهم دیگر، مسئله «کرامت و آراء انسان» است. کرامت انسان طبق آیه «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَافِي السَّمَاوَاتِ وَمَافِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰) تا حدی است که قابلیت تسخیر هرآن چه در

الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام... - سعید کحیا (۲۳۷-۲۱۱) / ۲۲۵

آسمان‌ها و زمین است را دارد و موجود بسیار عزیزی است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء: ۷۰) پس شأن انسان، اقتضای این را دارد که به او ارزش گذاشته شده، در کار متناسب با استعدادش به کار گرفته شود و زمینه‌های رشد و تعالی علمی، فکری، روحی و اخلاقی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی او فراهم شود (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۵/۰۷ و ۱۳۷۹/۰۹/۱۲).

۳-۱-۵. مردم

«مردم» تعیین‌کننده زندگی و جامعه خود هستند (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳) و از مبانی اساسی تحقق حکمرانی اخلاقی می‌باشند لکن روح و ماده اصلی مشارکت مردم، اسلامیت (همان، ۱۳۹۰/۱۲/۱۸) و ایمان است (همان، ۱۳۸۴/۰۵/۱۲). حکمرانی بایستی از ظرفیت‌ها، استعدادها و ابتکارهای مردم (همان، ۱۳۹۹/۰۲/۱۷) برای تشکیل نهادهای مردمی (همان، ۱۴۰۰/۰۹/۰۸) و نظارت عمومی علیه فساد و ویژه خواری استفاده کند (همان، ۱۴۰۰/۱۰/۱۹) تا بر اقتدار و قوت خود بیفزاید (همان، ۱۴۰۰/۰۱/۰۱).

۴-۱-۵. عدالت اجتماعی

چهارمین مبنا «عدالت اجتماعی» است. عدالت فی نفسه یعنی معتدل بودن، موازنه صحیح و از حد خارج نشدن؛ اما وقتی عدالت در صحنه اجتماع بررسی می‌شود، از آن به قسط یاد می‌شود (همان، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱): «لِيُقْسَمَ الْإِنْسَانُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵) به طور مثال باید شکاف‌های طبقاتی علاج شود، عقب ماندگی‌ها جبران شود، هم قانون، هم اجرای قانون، هم نظارت بر قانون، هم قضاوت و هم تقسیم، عادلانه باشد، و به طور کلی، حق هر چیز و هرکسی در جامعه به او داده شود (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۱۰/۱۷).

۵-۱-۵. درون‌زایی

پنجمین مبنا در حکمرانی اخلاقی «درون‌زایی» آن است که در پی هدایتگری مردم نه به شکل دستوری بلکه به صورت زمینه‌سازی و مانع‌زدایی است تا اخلاق را که یک امر درونی است، در آن‌ها نهادینه ساخته و تقویت کند؛ لکن در مواجهه با کارگزاران این رفتار به صورت اجبار و زور و دستور است تا آن‌ها را به شیوه قانونی ملزم به ارتقا، بسط و ترویج اخلاق در خود و جامعه کند (همان، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۵-۲. اصول حکمرانی اخلاقی

واژه اصول یعنی ریشه‌ها، بنیادها و تبارها (معین، ۱۳۷۵: ۱۶۳) و هرگونه قواعد و قوانینی که هر علم بر آن‌ها استوار شود. اصول هر علمی، مبادی و مقدمات آن علم است که حکم آن‌ها بنفسه ثابت می‌شود و دیگر چیزها بر آن‌ها مبتنی می‌گردد و جمهور مردم آن‌ها را می‌شناسند. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲: ۲۸۱۹-۲۸۲۰) حکمرانی اخلاقی همه ارزش‌های اخلاقی و نظام‌های سیاسی و اجتماعی و قواعد کلی را از قرآن و سنت می‌گیرد و به آن‌ها متعبد است: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ... كِتَابَ اللَّهِ وَعَثْرَتِي» (شیخ صدوق، ج ۲: ۶۲؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۸/۱۵) و مهم‌ترین اصول موجود در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای راجع به حکمرانی اخلاقی «نبوت»، «امامت»، «ولایت» و «ایجاد تمدن اسلامی» است که از باب اختصار به بیان همین موارد اکتفا می‌شود.

۵-۲-۱. نبوت، امامت و ولایت

اصل مهم حکمرانی اخلاقی، «نبوت» و لزوم تعقیب اهداف انبیاء و به تبع آن، «ولایت» است. نبوت یعنی ارسال پیام پروردگار بر روی زمین و در میان بشر توسط شخصی برگزیده (نبی) که زمانمند است؛ (همان، ۱۳۸۴/۰۲/۲۸) اما حاکمیت خدا پس از نبی قطع نشده و توسط ولی استمرار می‌یابد و ضروری است تا مردم با امام و ولی جامعه، پیوند و بیعت داشته باشند. ولایت یعنی پیروی از افکار، بینش‌ها، افعال، رفتار و حرکت‌های ولی و در یک کلام، ارتباط فکری و ارتباط عملی مستحکم و نیرومند هر یک از آحاد امت اسلام با امام جامعه (همان، ۱۳۵۳: ۵۳۸-۵۴۳).

ضابطه حکمرانی و اقتدار و قدرت‌مداری در جامعه اسلامی «امامت و ولایت» است؛ یعنی اسلام، بر پایه زر و زور، اشرافیت، تکبر بر مردم، امتیازخواهی و زیاده‌خواهی، شهوت‌رانی و امثالهم نیست (همان، ۱۳۹۵/۰۶/۳۰). ولی فقیه، دین‌شناس و وارث ولایت از پیامبران و ائمه در زمان غیبت کبری در مبارزه با مظاهر طاغوت و شرک است: «انّ العلماء ورثة الأنبياء» (کلینی، ج ۱: ۳۲) و متناسب با زمان و مکان و اوضاع و احوال گوناگون و با پایبندی به اصول فقاقت یعنی روش اجتهاد، سؤال‌ها و استفهام‌های زمانه را پاسخگو است

الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام... - سعید کحیا (۲۳۷-۲۱۱) / ۲۲۷

و حاکمیتی عقلانی و مستدل بر مبنای شریعت و اخلاق دارد (بیانات رهبری، ۱۳۶۸/۰۳/۲۲ و ۱۳۷۱/۱۱/۱۸ و ۱۳۸۸/۰۲/۲۳).

۲-۲-۵. ایجاد تمدن اسلامی

اصل مهم دیگر، آرمان‌های حکمرانی اخلاقی و یا اصطلاحاً «ایجاد تمدن اسلامی» است (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). برای تحقق چنین تمدنی، «وحدت دین و سیاست» جوهری‌ترین اصل و معرفت است که دنیا را، میدان اساسی وظیفه و رسالت دین می‌داند و این دین است که به مجموعه فعالیت‌های انسان جهت داده و هدایت می‌کند (همان، ۱۳۸۴/۰۳/۱۴). رهیافت‌هایی برای تحقق این مبانی وجود دارد؛ از جمله اینکه سیورورت و حرکت انسان و موجودات آفرینش به سمت پروردگار و خداست (همان، ۱۳۷۵/۰۷/۱۸). لذا همواره بین حق و باطل، نزاع وجود دارد و راه خدا، حق است و راه جهنم و شیطان، باطل است؛ لکن تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می‌کند (همان، ۱۳۷۴/۰۷/۲۲).

۳-۵. اهداف و غایات حکمرانی اخلاقی

هدف اعلای بشریت، رسیدن به لقاءالله و کسب رضایت الهی است و انسان‌ها بایستی تمام تلاش خود را بکنند تا از امکانات مادی و استعداد‌های موجود استفاده کرده و به تکامل برسند (همان، ۱۳۶۹/۰۶/۲۹ و ۱۳۸۵/۱۰/۰۳). اهداف، غیرقابل تغییر بوده و حد اعلای آن، تعالی و تکامل و قرب الهی و وصول به حق است و بقیه کارها، مقدمه برای توصل به رضایت الهی هستند (همان، ۱۳۷۰/۰۱/۲۹). بعد از هدف مذکور، انسان‌سازی به‌عنوان هدف عالی مطرح است. هدف عالی، انسان شدن بنی‌آدم و پیراسته شدن او از همه رذایل اخلاقی و پستی‌ها و بدی‌ها است تا استعداد‌های درونی او شکوفا شده و در مسیر پیشرفت، تکامل و تعالی دائمی قرار گیرد (همان، ۱۳۵۳: ۳۸۷).

هدف انبیاء و به تبع آن، فقها و حکمرانی اخلاقی، انسان‌سازی یعنی آراستن او به فضائل اخلاقی و خوبی‌ها و پیراستن او از رذائل اخلاقی و پستی‌ها است؛ آنچه در این مسیر به‌عنوان هدف میانی مطرح می‌شود، ایجاد جامعه اسلامی می‌باشد که در آن توحید، عدالت و معنویت شاخص است و همه این‌ها یعنی استقرار عدالت، تشکیل جامعه اسلامی، مبارزه

با ظلم و... مقدمه‌ای برای رستگاری انسان و تخلق به اخلاق الله هستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰). لذا تشکیل یک جامعه عادلانه الهی و اسلامی هدف میانی است که انسان‌ها با برخورداری از یک جامعه آزاد و عادل، مرفه و دارای عزت و پیشرفت که در آن آرمان‌های اسلامی محقق شده است، بتوانند به کمال معنوی و الهی و عبودیت برسند (همان، ۱۳۸۷/۰۳/۰۲).

۴-۵- ابعاد حکمرانی اخلاقی

مستظهر از بیانات آیت‌الله خامنه‌ای «عَلَّمَهُ» این است که حکمرانی اخلاقی در اصل نهادی اجتماعی و دارای سه بُعد «روش و منش کارگزاران»، «الگوها و نظامات و سازوکارها» و «نهادها و ساختارها» است. مجموعه این اجزا با همدیگر، در پرتو عنایات و رهبری ولی فقیه جامع‌الشرایط، مجموعه حکمرانی را تشکیل می‌دهند که در عین تنوع و پیچیدگی، خلاقیت در سیاست‌گذاری و پویایی مجموعه را نشان می‌دهند (خاشعی و هرندی، ۱۳۹۳: ۵).

۴-۵-۱. روش و منش کارگزاران

با دقت در آیه ۱۰۵ سوره اسراء «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» درمی‌یابیم کسانی می‌توانند حکمران باشند که صالح، متدین، مؤمن، انقلابی، مسلط بر نفس و عامل برای خدا باشند. این افراد همچون الگویی برای جامعه اسلامی بوده و عناصر مؤمن و معتقدی هستند که مردم را به سمت تحقق دولت اسلامی رهنمون می‌شوند (بیانات رهبری، ۱۳۶۹/۰۹/۱۴). از این رو مجموعه تدابیر و روش‌های مدیریتی حکمرانان و همچنین مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و ملکات نفسانی آنان بایستی در تراز انقلاب اسلامی و حکمرانی اخلاقی باشد. در این راستا اولین قدم، اصلاح درونی و تخلص از روش‌ها و منش‌ها و خلیات و رفتارهای غیراسلامی است و شاخص تصحیح اخلاق و رفتار و منش مسئولان کشور و حکمرانان، مردم‌سالاری دینی است، یعنی تکیه به مردم در چارچوب اسلام. پس هریک از حکمرانان بعد از انتخاب، وظایفی در قبال مردم دارند (همان، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲ و ۱۳۸۳/۰۶/۰۴).

حکمرانان اخلاقی بایستی به لحاظ اعتقادی اسلام و قرآن را ملاک قرار داده و به

مجموعه ارزش‌ها و حرکت بر اساس آن‌ها پایبند باشد و به عمل به مجموعه رهنمودهای امام راحل و امام حاضر انقلاب و درواقع ولی جامعه، اعتقاد و التزام داشته باشد. به لحاظ اخلاقی و عملکردی بایستی دارای ویژگی‌هایی چون اعتماد به خدا و انس با معنویات، توجه دائمی به خدا، تقوا و مراقبه دائمی، شکر از توفیق خدمت و مغرور نشدن به آن، اخلاص در انجام کارها، انس با قرآن و ادعیه و توسل، پرهیز از عمل‌زدگی، پرهیز از غرور، پرهیز از حس مصونیت از انحراف، پرهیز از استعلا و برتری‌جویی، اهمیت بخشی به رشد دینی و تقوایی مردم به خصوص خانواده، توجه به فرهنگ ملی و بومی و گرامیداشت یاد شهدا باشند. همچنین در حوزه خدمت‌رسانی به مردم بایستی با کار جهادی، اغتنام فرصت، تکیه بر عمل محوری، منت‌نگذاشتن بر مردم و با وجدان کاری، وظایف خود را پیش برند (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶ و ۱۳۷۰/۰۹/۳۰ و ۱۳۷۹/۰۲/۲۳ و ۱۳۸۶/۰۶/۳۱ و ۱۳۸۲/۰۸/۱۱ و ۱۳۸۶/۰۶/۰۴).

۵-۴-۲. الگوها و نظامات و سازوکارها

اسلام یک دین همه‌جانبه بوده و دارای ارکان بنای یک نظام اجتماعی و یک نقشه جامع است که می‌تواند به کمک این ارکان و الگو، یک نظام اجتماعی سالم و پیشرفته بنا کند (همان، ۱۳۶۸/۱۰/۲۶). این الگو یا نقشه جامع که هم نمایانگر وضع مطلوب است و هم چگونگی رسیدن از وضع موجود به وضع مطلوب را ترسیم می‌کند، مانع از تحیر و سردرگمی شده و مسیر صحیح اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و سازوکارها و فرآیندهای اجرایی آن‌ها را نشان می‌دهد و مؤثر بر برنامه‌ریزی‌ها، اولویت‌ها، تقدم‌ها، برنامه‌ها، زمان‌بندی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها است.

بهترین الگوی موجود، الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است که به‌عنوان یک سند بالادستی نسبت به همه اسناد برنامه‌ای کشور و سیاست‌گذاری‌ها و چشم‌اندازهای کشور (حتی چشم‌اندازهای ده بیست‌ساله) است. الگوی حکمرانی می‌تواند با توجه به شرایط روز جامعه و تغییرات موجود، سازگار شود، چراکه مبتنی بر آرمان‌ها و اهداف بوده و جهت‌گیری‌های آن مشخص است ولی سازوکار و فرآیند وصول به این اهداف می‌تواند

تکامل یافته و کارآمدتر شود؛ لذا غیرقابل انعطاف نیست و تمامی راهبردها قابلیت تغییر و اصلاح دارند.

عرصه‌های پیشرفت در منظومه فکری مقام معظم رهبری، چهار مورد فکر، علم، زندگی و معنویت است. اولین عرصه پیشرفت، فکر است که بایستی جوشش فکر و اندیشه‌ورزی در جامعه از نخبگان شروع شده و به آحاد مردم سرایت پیدا کند. در رتبه دوم، بایستی رشد علم وجود داشته باشد که این خود محصول تفکر است. یعنی نوآوری علمی، حرکت علمی و استقلال علمی وجود داشته و قوت پیدا کند و در مواردی چون فناوری بروز پیدا کند. در درجه سوم، بایستی در عرصه زندگی پیشرفت حاصل شده و در مواردی چون امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون و حکومت‌ها رشد حاصل شود. همه این‌ها جزو موارد اساسی یک زندگی است که جامعه بدان نیاز دارد. عرصه چهارم برای پیشرفت، معنویت است که روح همه موارد قبلی است و بدون معنویت، همه آن‌ها ابتر می‌ماند. یعنی فکر، علم و زندگی، صرفاً با معنویت به صورت حقیقی جلوه می‌یابند و معنا پیدا می‌کنند؛ لذا بایستی برای پیشرفت معنویت، برنامه و نقشه راه دقیقی وجود داشته باشد که زندگی انسان‌ها را از یک زندگی مادی و حیوانی، به یک زیست طیبه و متکامل تبدیل کند (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰).

۵-۴-۳- نهادها و ساختارها

نهادها و ساختارهای متناسب با حکمرانی اخلاقی مبتنی بر بنیادها، ابعاد، راهبردها و کاربردهای حکمرانی، یا اصلاح و ترمیم شده و به سمت تحول حرکت می‌کنند و یا از نو ایجاد می‌شوند. وجود نهادها و ساختارهای مردمی و دولتی که اهداف نظامات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی را تحقق می‌بخشند، و به طور خلاصه نهادسازی [که یکی از مظاهر تولید قدرت است] جزو کارهای اساسی‌ای است که می‌تواند به لحاظ زیرساختی، شرایط را برای اعمال حکمرانی فراهم کند (همان، ۱۳۹۰/۰۷/۲۲ و ۱۳۸۶/۰۶/۰۴).

یکی از مهم‌ترین ساختارهایی که نیاز به اصلاح دارند، ساختار دیوان‌سالاری و بروکراسی برجای مانده از نظام قبل یا تقلیدی از روش‌های منسوخ غرب است. این نظم

دیوان سالار به جای آنکه به حل منازعات و پیشبرد امور بپردازد، خیلی اوقات خود باعث منازعه شده و مانعی برای انجام امور می‌شود. ضروری است که ساختارها از انقلاب و مبانی آن جوشیده و در ضمن حفظ ارزش‌های اسلامی، کارآمد باشند و این جز با ایمان انقلابی به دست نمی‌آید (بیانات رهبری، ۱۳۸۹/۰۴/۰۷ و ۱۳۷۷/۰۷/۱۵).

۵-۵. راهبردها و کاربردهای حکمرانی اخلاقی

راهبرد برگرفته از واژه استراتژی^۱ به معنای جهت و گستره کلی، برنامه‌ریزی و مدیریت منابع ملی اعم از منابع سیاسی برای دستیابی به اهداف خاص و حداکثر منافع ملی است. (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)^۲ راهبرد طرحی جامع و منسجم برای رسیدن به اهداف حیاتی و بلند مدت با بهره‌مندی حداکثری از منابع و امکانات است. (غفاریان، ۱۳۸۰: ۴۷) ماهیت راهبرد، تشخیص و به کارگیری فرصت‌های مهم و استفاده از منابع برای رسیدن به اهداف نهایی معین و مشخص می‌باشد. (همان: ۱۷۱-۱۷۵)

از مؤلفه‌های اصلی برای تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حکمرانی اخلاقی، راهبردهای عمومی و کلی است که حکمرانی را به اهداف خود می‌رساند و شامل مواردی چون تکیه بر اسلامیت، ملاحظه ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون، مردم‌سالاری [متخذ از قرآن و اسلام] (بیانات رهبری، ۱۳۹۷/۰۴/۲۵)، کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی و... است (همان، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). حکمرانی اخلاقی بخش عمده‌ای از سامان زندگی را بر اساس دین بر عهده مردم می‌گذارد (همان، ۱۳۹۵/۰۹/۰۳) و در واقع مردم، کارفرمای دولت است (همان، ۱۳۹۴/۰۱/۰۱). هیچ حکمرانی نمی‌تواند امور خود را بدون پشتوانه مردم به پیش برد (همان، ۱۳۹۰/۱۱/۲۶) لذا آنچه اهمیت دارد وحدت کلمه (همان، ۱۳۸۸/۱۱/۱۹)، اعتماد، حضور (همان، ۱۳۸۸/۱۱/۰۶)، اراده و عزم راسخ مردم است (همان، ۱۳۹۰/۰۷/۲۰).

از مهم‌ترین راهبردهای حکمرانی اخلاقی، سیاست‌گذاری‌های کلان است که توسط

1. stratos

رهبری تنظیم و ابلاغ می‌شوند. سیاست‌های کلان کشور، همه قوانین و مقررات و عملکردها را جهت‌دهی می‌کند و ضامن مراقبت از نظام از رفتن به بیراهه و پامال شدن حقوق مردم و مستضعفین است و حضور رهبری در همه بخش‌های کشور را محقق می‌سازد (بیانات رهبری، ۱۳۸۳/۰۳/۱۴ و ۱۳۸۰/۰۸/۰۸ و ۱۳۸۲/۰۹/۲۶). یکی از ایمن سیاست‌گذاری‌های کلان، تعیین و ترسیم الگوی پیشرفت است که عرصه‌های پیشرفت در آن مشخص شده و شامل چهار عرصه اساسی فکر و اندیشه‌ورزی، علم و نوآوری علمی (که محصول فکر است)، زندگی (مثل امنیت، رفاه، استقلال، آزادی، حکومت و عزت ملی) و معنویت (که روح و اساس همه عرصه‌های قبلی می‌باشد) است. (همان، ۱۳۸۹/۰۹/۱۰) لذا شاخصه‌های پیشرفت اسلامی را می‌توان عزت ملی و اعتماد به نفس ملی، عدالت، تحرک دائمی، پیشرفت به همراه معنویت و جامعیت نسبت به تمام ابعاد زندگی انسان دانست. (همان، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲)

راهبرد بعدی ترسیم چشم‌اندازهای بیست‌ساله و تحقق آن‌هاست که به‌عنوان نقشه راه حکمرانی بعد از قانون اساسی، اصلی‌ترین وظیفه دانیان، خردمندان و نخبگان است. چشم‌انداز بیست‌ساله که خط سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها را مشخص می‌کند، آینده مطلوب کشور را شفاف کرده و راه رسیدن به آرمان‌های والای اسلامی و پیشرفت مادی، اقتصادی، فرهنگی و تعالی معنوی و اخلاقی و هویت اسلامی را هموار می‌سازد (همان، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹ و ۱۳۸۲/۰۸/۲۳). حلقه اتصال سند چشم‌انداز و برنامه‌های سالانه، سیاست‌های برنامه‌های پنج‌ساله می‌باشد که در جهت تحقق سند چشم‌انداز بیست‌ساله و مکمل آن است؛ چنان‌که شعارهای سالانه، به سیاست اجرایی در سطح دولت و ملت جهت می‌دهد، این شعارها هم در راستای خط‌دهی سیاست‌های اجرایی و عملکرد حکمرانان است و هم افکار عموم مردم را نسبت به مسئله اساسی کشور توجیه می‌کند (همان، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹ و ۱۳۹۷/۰۱/۰۱).

معارف بنیادین و راهبردی که از اصول و مبانی کلان اسلام به دست می‌آید، نیازمند فرآوری و تبدیل به معارف کاربردی حکمرانی متناسب با مسائل روز جامعه است. علما و متفکران اسلامی می‌توانند با ابتکار و استعداد، برای سؤال‌های موجود و نیازهای بشر امروز

در حوزه مسائل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، علم و فناوری، رسانه و امثالهم، از متن دین، پاسخ‌ها و معارف کاربردی را یافته و آن‌ها را به‌صورت کارآمد در مواجهه با وضع زمان و پیشرفت‌های علمی، ارائه دهند (همان، ۱۳۷۶/۰۵/۰۱). منظومه فکری امام جامعه به‌مثابه یک مکتب فکری، اجتماعی و سیاسی می‌تواند در ارائه این معارف کاربردی، راهگشا باشد؛ چراکه اولاً مبتنی بر مفاهیم بنیادین اسلام و جهان‌بینی توحیدی است و تمامی این معارف در راستای تحقق هدف دین است که همان عبودیت می‌باشد؛ ثانیاً به‌روز و متناسب با مسائل مبتلابه جامعه اسلامی در عصر حاضر است و این معارف برای مردم ملموس و محسوس است. مثلاً مبارزه با استکبار، نه یک امر انتزاعی، بلکه مفهومی انضمامی و محسوس به لحاظ مفهوم و آثار است. علاوه بر این‌ها، معارف کاربردی موجود در منظومه فکری ولی جامعه، قابل تحقق بوده و منحصر در جمع‌های فکری و اندیشه پردازی نیست و می‌تواند در میدان عمل، کارایی خود را نشان داده و مسیر حکمرانی کشور را تغییر دهد (بیانات رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴).

۵-۶- معیار حکمرانی اخلاقی

معیار در لغت به معنای اندازه، پیمان، مقیاس، ترازو (معین، ۱۳۷۵: ۱۷۷۷)، ملاک و وسیله سنجش است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴: ۲۱۱۹۷). معیار، آن ملاکی است که بر اساس آن می‌توان در مورد موضوع مشخصی تصمیم‌گیری کرد و آن را از چیزهای دیگر و آنچه نادرست است، تمییز داد. اصلی‌ترین معیار اخلاقی بودن حکمرانی، رهنمودهای ولی جامعه و در یک معنای دقیق‌تر «ولایت‌مداری» است. حکمرانی می‌تواند در هر یک از دسته‌بندی‌های اخلاق عرفی، فضیلت‌محور و توحیدی جای گرفته و یا صرفاً برای خوشایند کسی و کسب مقام و موقعیت اجتماعی باشد؛ اما ولایت‌مداری معیار اصلی حکمرانی اخلاقی است.

منابع اسلامی چون قرآن و سنت، منابع مهم در سنجش امور هستند لکن در موارد اشتباه به دلیل قرائت‌های گوناگون و یا تلقی‌های مختلفی که ممکن است از این منابع وجود داشته باشد، نظر امام جامعه می‌تواند حق یا باطل بودن آن عقیده و اخلاقی یا غیراخلاقی

بودن آن عمل را تشخیص دهد. اگر فردی اصول و ارزش‌های انقلاب را با فرمایشات و موضع‌گیری‌های ولایت بشناسد، مبانی ارزشی انقلاب را با رهنمودهای ولایت فهم کند، اعتقادات و اخلاقیات را در ذیل این چارچوب تعریف کند، عملکردش هم به تبع این عقاید و مبانی، اخلاقی و حق خواهد بود. لذا شناخت فرمایشات و موضع‌گیری‌های ولی فقیه و عمل بر اساس آن، حکمرانی اخلاقی را محقق خواهد کرد.

برای به دست آوردن امکان استفاده از این معیار، پیش از هر چیزی بایستی به امام جامعه ایمان داشت و او را مورد اعتقاد و قبول و اذعان قرار داد. اگر حکمرانی مبتنی بر ایمان و پایبندی به ولایت بود و برنامه‌ریزی‌ها بر اساس بیانات، موضع‌گیری‌ها و منویات ولی فقیه صورت گرفت، موفقیت حاصل می‌شود و می‌توان آن را اخلاقی نامید (بیانات رهبری، ۱۳۹۲/۰۶/۰۶) حد این حکمرانی را چارچوب بیانات، موضع‌گیری‌ها و منویات نهاد ولایت مشخص می‌سازد و خروج از آن به هرنحوی، خروج از حکمرانی اخلاقی تلقی می‌شود. لذا حکمرانی اخلاقی بدون ولایت‌مداری معنا ندارد و ولایت‌مداری مهم‌ترین معیار در حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام است.

نتیجه

حکمرانی اخلاقی فرآیندی مستحکم، تحت ولایت ولی خدا و مبتنی بر اخلاق عرفی، فضیلت‌محور و توحیدی است که در آن مجموعه‌ای از قوانین و ساختارها برای نظارت و اعمال قدرت بر فعالیت‌های نهادهای حکومتی (دولت) و غیرحکومتی (مردمی و اجتماعی) و رفع تنازعات بین آنها برای دستیابی به ارزش‌ها و بازداشتن جامعه از ظلم و فساد و اعمال غیرعالمانه و غیرعادلانه در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارند. الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌ای در شکل زیر نشان داده شده است.



باتوجه به سطح ایمانی مخاطبین حکمرانی و سایر شرایط مکانی و زمانی، حکمرانی اخلاقی می‌تواند در هریک از ساحت‌های حکمرانی اخلاقی عرفی، فضیلت‌محور یا توحیدی اجرا شود لکن آنچه در همه این اقسام مهم است، ولایت‌مداری و عمل بر اساس نهاد ولایت می‌باشد و بایستی تمامی رفتارها و منش‌های کارگزاری، نهادها، ساختارها، الگوها و نظامات و سازوکارها بر مبنای بیانات و منویات ولی فقیه جامعه تنظیم و منتقح شوند. از این رو بنیادها، ابعاد، راهبردها و راهکارهای حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در این تحقیق نیز از بیانات رهبر معظم انقلاب استخراج و تدوین شد.

کتابنامه

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
ابن بابویه، محمد بن علی (بی‌تا). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران، جهان.
احمدی طباطبایی، سید محمد رضا، و حجتی، علی (۱۳۹۱). دلایل سازگاری حکومت مشروطه با مبانی اسلامی در اندیشه سیاسی آخوند خراسانی. شیعه شناسی، (۳۷)، ۳۷-۶۸.
ازهری، محمد بن احمد (۳۷۰ق). تهذیب اللغة. ۱۵ جلد. چاپ اول. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
اسماعیل زاده، حسن؛ همتی، مجتبی (۱۳۹۱). حکمروایی خوب راه چاره تحقق شهر خوب. اطلاعات سیاسی-اقتصادی، (۲۸۸)، ۱۰۲-۱۱۵.

امام جمعه زاده، سید جواد، و میلانی، جمیل (۱۳۹۰). شاخص‌های عدالت سیاسی و راهکارهای تحقق آن. پژوهش‌های سیاسی، (۲)، ۷۳-۸۸.

امید، مسعود (۱۳۷۵). رابطه دین و اخلاق از نظر علامه طباطبایی. کیهان اندیشه، (۶۶)، ۹۸-۱۰۵.
امین، سید محسن (۱۴۰۶ق). اعیان الشیعه. (سید حسن امین، محقق). بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
بنیاد فرهنگ و اندیشه انقلاب اسلامی (۱۳۹۸). مکتب انقلاب اسلامی - کتب ده گانه. قم، معارف.
پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، به نشانی: www.khamenei.ir.
جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیه). بیروت، دارالعلم.
خاشعی، وحید، و هرندی، عطاءالله (۱۳۹۳). تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی علیه السلام: تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا. پژوهش‌های علم و دین، (۲)۵، ۸۵-۱۱۰.

خامنه‌ای، سید علی (۱۳۵۳). طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن. قم، موسسه ایمان جهادی.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه. تهران، دانشگاه تهران.
راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۲۵ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت، دارالقلم.
صمدی میارکلائی، حمزه، فقیهی، ابوالحسن، و دانش فرد، کرم اله (۱۳۹۸). درک ارزش‌ها در خدمات عمومی: ارزش‌های مدیران در سازمان‌های دولتی. مطالعات رفتار سازمانی، (۱)۸، ۱۰۱-۱۳۱.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان. (محمدباقر موسوی، مترجم). قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.

غفاریان، وفا (۱۳۸۰). استراتژی اثربخش. تهران، انتشارات فرا.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم، نشر هجرت.
قائمی مقدم، محمد رضا (۱۳۸۲). روش‌گویی در تربیت اسلامی. معرفت، ۱۲ (۶۹)، ۲۵-۳۷.
کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۳۶۸). بحار الانوار. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
محمد بن مکرّم، ابن منظور (۷۱۱ق). لسان العرب. بیروت، دار صادر.
مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۸۳). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. قم، انتشارات بیدار.
مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). فلسفه اخلاق. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام ... - سعید کحیا (۲۳۷-۲۱۱) / ۲۳۷

- مصطفوی، حسن (۱۴۲۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت، دارالکتب العلمیه.
مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). کلیات علوم اسلامی. قم، صدرا.
معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ معین. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن. قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
موسوی بجنوردی، سید محمود (۱۳۸۵). بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق. بازتاب اندیشه،
(۸۳)، ۸۹-۹۲.
مهدی زاده، حسین (۱۳۸۵). الگوشناسی. قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
نصیرالدین طوسی، محمد بن محمد (۱۳۷۷). اخلاق محتشمی. تهران، دانشگاه تهران.
هدایتی، محمد (۱۳۹۳). علم اخلاق: تعریف، موضوع و هدف. پژوهش‌های اخلاقی، ۴(۴)،
۱۲۳-۱۴۲.

Kjaer, Anne Mette. (2004). *Governance*. Wiley.

H. George Frederickson & Richard K Ghere (2015) Public Ethics and the New Managerialism
An Axiomatic Theory. Ethics in public management. Chapter 8. Published 2015 by
Routledge. Retrieved from academic.udayton.edu > Ethics Book Frederickson.